

بسمه تعالی

بررسی مواد ۲۷ الی ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

به کوشش: آرزو شب‌انگیز، محمد کاویانی، عاطفه تقی‌زاده

فصل سوم - نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها

ماده ۲۷- مدت حبس از روزی آغاز می‌شود که محکوم، به موجب حکم قطعی لازم‌الاجراء حبس می‌گردد. در صورتی که فرد، پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده مطرح بوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی در حکم محاسبه می‌شود. در صورتی که مجازات مورد حکم، شلاق تعزیری یا جزای نقدی باشد، هر روز بازداشت، معادل سه ضربه شلاق یا سیصد هزار (۳۰۰.۰۰۰) ریال است. چنانچه مجازات متعدد باشد به ترتیب نسبت به حبس، شلاق و جزای نقدی محاسبه می‌گردد.

- ۱- مدت حبس از روزی شروع می‌شود که محکوم به موجب **حکم قطعی لازم‌الاجراء** حبس شود.
- ۲- اصولاً مجازات‌ها تا زمانیکه حکم قطعی صادر نشده باشد قابل اجرا نیستند به همین خاطر اگر قبل از صدور حکم قطعی شخصی مدتی را بازداشت بوده، این مدت از مدت حبسی که به موجب حکم قطعی به آن محکوم شده کسر می‌شود.
- ۳- منظور از کلمه ی بازداشت فقط بازداشت موقت نیست؛ بلکه هر نوع بازداشتی را که به موجب قرارهای تأمین باشد (مثل اینکه شخص باید وثیقه می گذاشته، نتوانسته وثیقه را جور کند و بازداشت شده) را هم در بر می‌گیرد.
- ۴- نحوه ی محاسبه ی مدت بازداشت شخص قبل از صدور حکم قطعی در میزان مجازات:

یا مجازات حبس است  مدت حبسی که قبل از صدور حکم قطعی گذرانده ازین مدت کسر می‌شود.

یا مجازات جزای نقدی است  هر یک روز بازداشت قبل از صدور حکم قطعی سی هزار تومان از جزای نقدی را کم می‌کند.

یا مجازات شلاق است  هر یک روز بازداشت قبل از صدور حکم قطعی سه ضربه شلاق را کم می‌کند.

مثلاً اگر شخصی به ۳۰ ضربه شلاق محکوم شده باشد و قبل از آن ۹ روز بازداشت بوده باشد، فقط **سه ضربه شلاق** باقی می‌ماند که باشد اجرا شود.

۴- در صورتی مدت بازداشت قبلی از مجازات کم می شود که **جرم تعزیری** یا **بازدارنده** باشد و در حدود و قصاص چنین چیزی وجود ندارد.

۵- این ماده از مصادیق تبصره ۲ ماده ۱۱۵ است و شامل **تعزیرات منصوص شرعی** نمی شود. (تعریف تعزیرات منصوص شرعی در جزوه ی هفته ی قبل آمده بود)

۶- اگر شخص هم به حبس محکوم شده باشد و هم به شلاق و هم به جزای نقدی؛ بازداشت قبلی، اول از حبس کم می شود بعد از شلاق و در آخر هم از جزای نقدی.

ماده ۲۸- کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می شود لازم الاجراء می گردد.

۱- مبالغ مذکور در این ماده **هر ۳ سال یکبار** تعدیل می شود و به نظر می رسد مشمول مقررات عطف به ما سبق نشدن قوانین می گردد (یعنی عطف به ما سبق نمی شود به خاطر عبارت "در مورد احکامی که بعد از آن صادر می شود")

۲- پیشنهاد تعدیل مبالغ: از طرف **وزیر دادگستری** مطرح می شود، **هیأت وزیران** در مورد آن تصمیم می گیرد، **نسبت به احکام بعد از آن اجرا می شود.**

ماده ۲۹- هرگاه بازداشت بدل از جزای نقدی توأم با مجازات حبس باشد بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام حبس شروع می شود که از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نیست و در هر حال مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از سه سال تجاوز کند.

۱- اجرای مجازات حبس بر اجرای بازداشت بدل از جزای نقدی اولویت دارد، یعنی وقتی که مجازات حبس تمام شد، بازداشت بدل از جزای نقدی شروع می شود. اما مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از حداکثر مدت حبسی که قانون برای آن جرم تعیین کرده بیشتر باشد مثلاً مجازات جرمی ۶ ماه تا ۲ سال حبس است: بازداشت بدل از جزای نقدی نباید بیشتر از دو سال مثلاً ۳ سال باشد.

حالا اگر مجازات حبس جرمی ۲ تا ۵ سال باشد: طبق قسمت آخر ماده ۲۹ مدت بازداشت بدل از جزای نقدی نباید از ۳ سال بیشتر باشد و دیگر حداکثر مدت این جرم که ۵ سال است ملاک نیست.

ماده ۳۰- منع از اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار معین مستلزم لغو جواز کار یا پروانه کسب، حرفه یا کار است مشروط به اینکه جرم به سبب اشتغال به شغل، کسب، حرفه یا کار ارتکاب یابد یا آن اشتغال وقوع جرم را تسهیل نماید.

۱- منع از اشتغال به شغل و کسب و حرفه از مصادیق مجازات تکمیلی است و قانونگذار در حکم به آن تناسب میان جرم و مجازات را در نظر گرفته به همین خاطر فقط در صورتی می توان شخصی را از شغل یا حرفه یا کسب و کار معینی منع کرد که:

الف: شغل یا حرفه یا کسبش باعث ارتکاب آن جرم شده باشد یا

ب: شغل و کار و حرفه اش ارتکاب جرم را راحتتر کند.

حالا برای اینکه شخص دیگر نتواند به آن شغل مشغول شود ، قانون گفته پروانه یا جواز آن شغل یا کسب لغو شود.

ماده ۳۱- منع از رانندگی و تصدی وسیله نقلیه موتوری مستلزم **ابطال** گواهینامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است. ممنوعیت مذکور در این ماده هم از مصادیق مجازات تکمیلی است به همین خاطر تناسب رعایت شده.

ماده ۳۲- منع از اصدار چک مستلزم **ابطال** برگه های سفید دسته چک و انسداد حساب جاری و **ممنوعیت** از درخواست مجدد افتتاح حساب جاری است.

۱- طبق قانون تجارت اگر شخصی بیش از یک بار چک بلامحل صادر کند و منتهی به صدور کیفر خواست شود ، حسابش مسدود می شود و تا ۳ سال هم نمی تواند حساب دیگری باز کند.

۲- این ماده هم از مصادیق مجازات تکمیلی است.

ماده ۳۳- منع از حمل اسلحه مجاز مستلزم **ابطال** پروانه حمل و توقیف سلاح است.

۱- اگر شخصی به عنوان مجازات تبعی از داشتن سلاح منع شود **باید :**

الف: مجوز حمل سلاحش باطل شود.

ب: سلاحش هم توقیف شود که دیگر نتواند به واسطه ی داشتن سلاح جرمی را مرتکب شود(مثلا تهدید یا ارباب کند)

ماده ۳۴ - منع از خروج اتباع ایران از کشور مستلزم ابطال گذرنامه و ممنوعیت از درخواست مجدد است. ممنوعیت مذکور در این ماده هم از مصادیق مجازات تکمیلی است.

ماده ۳۵ - اخراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور پس از اجرای مجازات و با حکم دادگاه انجام می‌شود.

۱- اگر بیگانه ای در کشور ما مرتکب جرمی شود و محاکمه هم بشود و از کشور اخراج شود، ابتدا مجازات جرمش در موردش اجرا می شود سپس از کشور اخراج می شود.

۲- اخراج بیگانگان از کشور هم از مصادیق مجازاتهای تکمیلی است.

ماده ۳۶ - حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود.

تبصره - انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود:

الف- رشاء و ارتشاء

ب- اختلاس

پ- اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری

ت- مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری

ث- تبانی در معاملات دولتی

ج- أخذ پورسانت در معاملات خارجی

چ- تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت

ح- جرائم گمرکی

خ- قاچاق کالا و ارز

د- جرائم مالیاتی

ذ- پولشویی

ر- اخلال در نظام اقتصادی کشور

ز- تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی

۱- جرایمی که حکم قطعی در آنها باید در یکی از روزنامه های محلی برای یکبار منتشر شود عبارتند از:

❖ محاربه	
❖ افساد فی الارض	
❖ تعزیر تا درجه ۴ (تعزیر نه حبس)	
❖ کلاهبرداری بیشتر از یک میلیارد ریال	
	به شرطی که
	انتشار این حکم محکومیت باعث اختلال در نظم و امنیت جامعه نشود.

۲ جرایمی که انتشار حکم محکومیت قطعی در آنها باید در رسانه ی ملی یا یکی از جراید کثیرالانتشار منتشر شود عبارتند از:

جرایم بند "الف" الی بند "ز"	
	انتشار حکم محکومیت در این این جرایم بدون هیچ قید و شرطی است.

فصل چهارم - تخفیف مجازات و معافیت از آن

۱- **معاذیر قانونی** اموری هستند که: ۱- از طرف قانونگذار تعیین شده اند ، ۲- مجازات را یا کم می کنند یا از بین می برند؛ ۳- منتها حتما باید در مورد معاذیر قانونی نص قانونی وجود داشته باشد مگر نه قاضی نمی تواند آنها را اعمال کند. ۴- اگر هم نص قانونی وجود داشت، قاضی در صورت احراز معاذیر قانونی مکلف است آنها را اعمال کند. ۵- معاذیر قانونی محدود به جرایم خاصی هستند.

۲- معاذیر یا معاف کننده هستند یا تخفیف دهنده:

❖ **معاذیر معاف کننده:** در این موارد در جاهایی که قانون تصریح کرده مرتکب باید از مجازات معاف شود. مثل ماده

۵۰۷ تعزیرات (در مورد همکاری با مأموران) یا ماده ی ۵۲۱ در مورد توبه.

❖ **معاذیر تخفیف دهنده:** در این موارد باید مجازات مرتکب تخفیف داده شود. مثل ماده ی ۵۸۵ تعزیرات.

❖ **معاذیر قضایی یا همان کیفیات مخففه،** اوضاع و احوالی هستند که اگر همراه با یکسری شرایطی باشند، قانونگذار

به دادگاه اجازه می دهد (یعنی قاضی می تواند) که در مقام تخفیف، مجازات جرمی را تخفیف دهد یا به مجازات

مساعد دیگری تبدیل کند.

پس:

اعمال کیفیات مخففه یا همان معاذیر قضایی برای دادگاه **اختیاری** است؛ بر خلاف معاذیر قانونی که **الزامی** هستند.

اعمال کیفیات مخففه فقط در **جرایم تعزیری** امکان دارد و در حدود و قصاص و دیات قابل اعمال نیست.

قاضی در صورتی می تواند کیفیات مخففه را اعمال کند که جهات آن را احراز کند.

نحوه ی تخفیف مجازات:

ماده ۳۷- در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ت- تقلیل سایر مجازات های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر

- ۱- اگر قاضی موردی را برای تخفیف مجازات احراز کرد حتما باید آن مورد یا موارد را در حکم قید کند. (مثلا در حکم بنویسد به علت به علت گذشت شاکی یا مدعی خصوصی مجازات حبس درجه ۲ به درجه ۵ تبدیل شد).
- ۲- تخفیف مجازات باعث می شود که **حد اقل** مجازات جرمی کاهش پیدا کند.
- ۳- میزان و حدودی را که قاضی می تواند برای تخفیف مجازات در نظر بگیرد ، قانون در همین ماده ی ۳۷ تعیین کرده؛ پس قاضی **نمی تواند** مجازات را به هر میزان کاهش دهد.
- ۴- قاضی ضمن اینکه حکم صادر می کند اگر خواست تخفیف بدهد باید تخفیف را هم اعمال کند.
- ۵- اینکه علل و جهات تخفیف برای جرمی وجود داشته باشد (معاذیر قضایی یا قانونی) باعث نمی شود که آن عمل دیگر جرم نباشد یا به جرم دیگری تبدیل شود فقط قاضی اگر وقوع جرم را محرز و آن را منتسب به متهم دانست در مورد تعیین مجازات تصمیم می گیرد که با توجه به علل و جهات ، مجازات را تخفیف بدهد .
- ۶- اگر پس اینکه مجازات جرمی با جهات مخففه تخفیف یافت،شخص مرتکب جرم جدیدی شود،این تأثیری در جرمی که مجازاتش تخفیف یافته ندارد.
- ۷- در مورد اقدامات تأمینی و تربیتی نمی توان کیفیات مخففه را اعمال کرد،چون کیفیات مخففه ماهیتا مفید هستند.
- ۸- اگر قانون در مواردی اعمال کیفیات مخففه را ممنوع اعلام کرده باشد،قاضی **نمی تواند** تخفیف بدهد.مثل:
 - ۱- کلاهبرداری،تحصیل مال نا مشروع،اختلاس ،ارتشا...که فقط میتوان تا حداقل مجازات مقرر قانونی تخفیف داد (که این در واقع تخفیف اصطلاحی نیست چون گفتیم تخفیف یعنی کاهش مجازات به کمتر از حداقل).
 - ۲- چنانچه مرتکب دارای سه فقره یا بیشتر ،محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم باشد.
 - ۳- در تکرار جرم سرقت در صورتیکه سارق دارای سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد.
 - ۴- جزای نقدی ناشی از قاچاق کالا :طبق رأی وحدت رویه شماره ۵۸۷ رد عین موضوع قاچاق و پرداخت دو برابر درآمدی که طبق قانون برای دولت مقرر شده قابل تخفیف نیست.
 - ۵- هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته باشد و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی یا استمداد از مأمورین انتظامی ازاین کار امتناع کند یا به منظور فرار از تعقیب ،محل حادثه را ترک کند و مصدوم را رها کند.
- ۹- اگر برای جرمی مجازات تکمیلی و تتمیمی هم درنظر گرفته شده باشد،این مجازاتها هم مشمول تخفیف می شوند.پس تخفیف فقط مخصوص مجازاتهای اصلی نیست.
- ۱۰-هم مجازات جرایم عمدی و هم مجازات جرایم غیر عمدی را می توان تخفیف داد.
- ۱۱- اگر مجازات اعدام، تعزیری یا بازدارنده باشد می تواند مشمول تخفیف قرار بگیرد، اما اگر به عنوان حد یا قصاص باشد نمی تواند.

۱۲- دادگاه باید **یا** مجازات جرم ارتكابی را تخفیف بدهد **یا** تبدیل کند و نمی تواند هر دو را با هم اعمال کند.

۱۳- تعدد و تکرار جرم مانع تخفیف نیست اما قانونگذار شرایط خاصی را برای تخفیف در این موارد پیش بینی کرده.

۱۴- امکان تبدیل مجازات قتل غیرعمدی ناشی از تخلفات رانندگی (ماده ی ۷۱۴ و ۷۱۸ تعزیرات) وجود ندارد اما امکان تعلیق اجرای مجازات وجود دارد.

۱۵- دادگاه بدوی در مرحله ی واخواهی می تواند مجازات جرمی را تخفیف دهد یا تبدیل کند.

۱۶- ملاک تبدیل یا تخفیف مجازات مناسب تر بودن آن به حال متهم است و به نظر می رسد خود متهم برای تعیین آنچه برایش مناسب تر است مختار است.

امکان اعمال تخفیف در تعدد جرم (تبصره ۳ ماده ۱۳۴ ق م ا):

۱- اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر باشد: دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا **میانگین** حداقل و حداکثر تخفیف دهد.

۲- اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر نباشد: دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا **نصف** آن تخفیف دهد.

امکان اعمال تخفیف در تکرار جرم (ماده ۱۳۹ ق م ا):

۱- اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر باشد: دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا **میانگین** حداقل و حداکثر تخفیف دهد.

۲- اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر نباشد: دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا **نصف** آن تخفیف دهد.

نکته: در مورد جرایم ارتكابی توسط اطفال، دادگاه می تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازاتها را **تا نصف حداقل** تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال را به اقدام دیگری تبدیل کند.

برای اینکه بتوان مجازات جرمی را تخفیف داد باید: ۱- جهاتی وجود داشته باشد، ۲- قاضی این جهات را احراز کند و ۳- در حکم خود قید کند؛ این جهات عبارتند از:

ماده ۳۸- جهات تخفیف عبارتند از:

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن

پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی درحین تحقیق و رسیدگی

ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

ج- کوشش متهم به‌منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه‌دیده یا نتایج زیانبار جرم

ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

تبصره ۱- دادگاه **مکلف است** جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.

تبصره ۲- هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه **نمی‌تواند** به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.

۱- در بند "الف" منظور گذشت در جرایم غیرقابل گذشت است چون گذشت در جرایم قابل گذشت باعث موقوفی تعقیب یا موقوفی مجازات می‌شود.

۲- طبق بند "ب" همکاری متهم باید مؤثر باشد، یعنی باید منجر به شناسایی شرکا و معاونان شود تا موجب تخفیف شود.

۳- طبق بند "پ" اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم: یعنی باید آن اوضاع و احوال خاص موجب ارتکاب جرم شده باشد تا موجب تخفیف شود.

۴- طبق بند "ت" اقرار باید مؤثر باشد؛ یعنی اقرار متهم باید باعث کشف جرم یا سهولت در تحقیق شود تا موجب تخفیف شود.

۵- سوء سابقه ی کیفری نمی‌تواند دلیل ارتکاب جرم باشد، اما حسن شهرت سابقه می‌تواند از جهات تخفیف باشد.

۶- اگر شخصی از روی ترحم و دلسوزی و با درخواست خود بیمار از او سلب حیات کند، اگرچه این سلب حیات موجب قصاص است اما اگر اولیای دم از قصاص گذشت کردند چون انگیزه ی شخص شرافتمندانه بوده ،دادگاه می‌تواند در تعیین مجازات حبس انگیزه را مورد توجه قرار بدهد. توجه داشته باشید که انگیزه ی مقبول در هر جرمی باعث برائت نمی‌شود بلکه فقط می‌تواند از موجبات تخفیف باشد.

۷- اگر دادگاه به موجب تبصره ی ۲ ماده ی ۷۱۹ تعزیرات که رساندن مصدوم به مراکز درمانی یا اطلاع به مأمورین را از جهات تخفیف دانسته مجازات جرم را تخفیف داد، نمی‌تواند دوباره مجازات را به استناد بند ج ماده ی ۳۸ تخفیف بدهد.

ماده ۳۹- در جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت در صورت احراز جهات تخفیف چنانچه دادگاه پس از احراز مجرمیت، تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می‌شود در صورت فقدان سابقه کیفری مؤثر و گذشت شاکی و جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن **می‌تواند** حکم به معافیت از کیفر صادر کند.

۱- در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ با احراز شرایطی امکان معافیت از مجازات وجود دارد و این ماده در واقع از **معاذیر قانونی** معافیت از مجازات است.

۲- شرایط لازم برای معافیت از مجازات در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸:

۱- جهات تخفیف احراز شود.

۲- دادگاه بعد از احراز مجرمیت تشخیص دهد اگر مجازات اجرا نشود هم مرتکب اصلاح می‌شود.

۳- سابقه کیفری مؤثر وجود نداشته باشد.

۴- شاکی گذشت کرده باشد. (منظور در جرایم غیرقابل گذشت است)

۵- مرتکب ضرر و زیان را جبران کرده باشد یا ترتیبی برای جبران آن داده باشد.

۳- اعمال معافیت از مجازات برای دادگاه الزامی نیست و اختیاری است.

۴- این ماده و احکامش طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۵ شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود.

فصل پنجم - تعویق صدور حکم

ماده ۴۰- در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت دادگاه **می تواند** پس از احراز مجرمیت متهم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است در صورت وجود شرایط زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد:

الف- وجود جهات تخفیف

ب- پیش‌بینی اصلاح مرتکب

پ- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران

ت- فقدان سابقه کیفری مؤثر

تبصره- محکومیت مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، براساس ماده (۲۵) این قانون از حقوق اجتماعی محروم می‌کند.

۱- تعویق صدور حکم یعنی به تأخیر انداختن صدور حکم محکومیت.

۲- تعویق صدور حکم **در جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸** امکان پذیر است.

۳- دادگاه **می تواند** صدور حکم را به تعویق اندازد و الزامی ندارد.

۴- تعویق صدور حکم بعد از احراز مجرمیت متهم است پس دادسرا نمی تواند تعویق را اعمال کند.

۵- تعویق صدور حکم با **۱-** در نظرگرفتن وضعیت فردی و اجتماعی و خانوادگی مرتکب و **۲-** سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده امکان پذیر است.

۶- مدت تعویق صدور حکم ۶ ماه تا ۲ سال است.

۷- برای تعویق صدور حکم شرایطی لازم است:

۱- جهات تخفیف باید وجود داشته باشد.

۲- قاضی بتواند اصلاح مرتکب را پیش بینی کند.

۳- مرتکب ضرر و زیان ناشی از جرم را جبران کرده باشد یا برای جبران ترتیبی داده باشد.

۴- مرتکب سابقه ی کیفری مؤثر نداشته باشد.

۵- از مرتکب تعهد گرفته شده باشد.

۸- امکان تعویق صدور حکم در مورد **تمام جرایم تعزیری** اطفال و نوجوانان با رعایت مقررات وجود دارد.

۹- تعویق صدور حکم طبق تبصره ۲ ماده ی ۱۱۵ شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی شود.

ماده ۴۱ - تعویق به شکل ساده یا مراقبتی است.

الف- در تعویق ساده مرتکب به **طور کتبی** متعهد می‌گردد، در مدت تعیین شده به وسیله دادگاه، مرتکب جرمی نشود و از نحوه رفتار وی پیش بینی شود که در آینده نیز مرتکب جرم نمی‌شود.

ب- در تعویق مراقبتی علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می‌گردد دستورهای و تدابیر مقرر شده به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت کند یا به موقع اجراء گذارد.

تبصره ۱- دادگاه **نمی‌تواند** قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند.

تبصره ۲- چنانچه متهم در بازداشت باشد، دادگاه پس از صدور قرار تعویق صدور حکم، بلافاصله دستور آزادی وی را صادر می‌نماید. دادگاه می‌تواند در این مورد تأمین مناسب اخذ نماید. در هر صورت اخذ تأمین **نباید** به بازداشت مرتکب منتهی گردد.

۱- تعویق مراقبتی **باید** همراه با تدابیر ماده ی ۴۲ قانون مجازات اسلامی باشد.

۲- تعویق مراقبتی **می‌تواند** همراه با تدابیر ماده ی ۴۳ قانون مجازات اسلامی باشد.

۳- تعویق صدور حکم **"قرار"** است و دادگاه **نمی‌تواند** آن را به طور غیابی صادر کند.

ماده ۴۲ - تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است:

الف- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضائی یا مددکار اجتماعی ناظر

ب- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی

پ- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی

ت- کسب اجازه از مقام قضائی به منظور مسافرت به خارج از کشور

تبصره - تدابیر یاد شده **می‌تواند** از سوی دادگاه همراه با برخی تدابیر معاضدتی از قبیل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی باشد.

۱- تدابیری که در این ماده برای تعویق مراقبتی در نظر گرفته شده **حصری** و **اجباری** است اما با توجه به لفظ **"می‌تواند"**

در تبصره ، اضافه کردن بعضی از **تدابیر معاضدتی** مثل معرفی مرتکب به نهادهای حمایتی، **اختیاری** است.

۲- تدابیر معاضدتی مندرج در تبصره به خاطر قید **"از قبیل"** حصری نیستند.

ماده ۴۳ - در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار **می‌تواند** با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی

او به نحوی که در زندگی وی یا خانواده اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای زیر در مدت تعویق، ملزم نماید:

الف- حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص

ب- اقامت یا عدم اقامت در مکان معین

پ- درمان بیماری یا ترک اعتیاد

ت- پرداخت نفقه افراد واجب‌النفقة

ث- خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری

ج- خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن

چ- خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکا یا معاونان جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه

ح- گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی

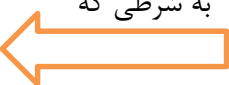
۱- تدابیر مندرج در این ماده **اختیاری** است.

۲- در مدت تعویق این تدابیر اعمال می‌شود و با پایان یافتن تعویق، این تدابیر هم منتفی می‌شود.

۳- این تدابیر

۱- هم باید با توجه به جرم ارتكابی باشد

۲- هم با توجه به خصوصیات مرتکب

۳- هم با توجه به شرایط زندگی مرتکب تعیین می‌شود.  به شرطی که در زندگی شخص یا خانواده اش اختلال عمده یا اساسی ایجاد نکند.

۴- دستورات مندرج در این ماده **حصری** هستند و دادگاه نمی‌تواند غیر از این دستورات را اعمال کند.

۵- دادگاه در مورد تدابیر اختیاری می‌تواند یک یا چند مورد (نه همه ی موارد) را اعمال کند اما در مورد تدابیر الزامی **باید همه ی تدابیر را اعمال کند**.

ماده ۴۴- در مدت تعویق، در صورت ارتكاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند. در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه، قاضی می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند.

تبصره- در صورت الغای قرار تعویق و صدور حکم محکومیت، صدور قرار تعلیق اجرای مجازات ممنوع است.

"دقت شود این ماده ضمانت اجرای ارتكاب جرم و عدم اجرای دستورات دادگاه را در مدت تعویق بیان میکند"

۱- ارتکاب جرایمی که موجب لغو قرار تعویق می شود:

۱- حد ۲- قصاص ۳- جنایات عمدی موجب دیه ۴- تعزیر تا درجه ۷ (اعم از عمدی و غیر عمدی)

۲- ضمانت اجرای رعایت نکردن دستورات دادگاه در مدت تعویق:

۱- برای بار اول ← قاضی می تواند تا نصف مدتی که در قرار تعیین کرده بوده برای انجام دستورات را به مدت تعویق اضافه کند یا حکم محکومیت صادر کند.

۲- در صورت تکرار ← قاضی باید حکم محکومیت صادر کند.

۳- اگر قرار تعویق لغو شود و حکم محکومیت صادر شود دیگر امکان تعلیق اجرای مجازات وجود ندارد.

ماده ۴۵- پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می کند.

۱- پس از گذشت مدت تعویق دادگاه یا مجازات تعیین می کند یا حکم معافیت صادر می کند؛ که هر کدام از این دو اقدام با در نظر گرفتن:

۱- میزان پایبندی مرتکب به اجرای دستورات دادگاه

۲- گزارش های مددکار اجتماعی

۳- وضعیت مرتکب می باشد.

۲- طبق تبصره ۲ ماده ی ۱۱۵، این ماده شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی شود.

فصل ششم - تعلیق اجرای مجازات

ماده ۴۶- در جرائم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک‌سوم مجازات می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می‌تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.

تعلیق اجرای مجازات با تعلیق تعقیب متفاوت است:

الف) تعلیق تعقیب (ماده ۸۱ ق.ا.د.ک جدید):

- ۱- در جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ که مجازاتشان قابل تعلیق است ممکن است.
- ۲- شاکی وجود نداشته باشد یا گذشت کرده باشد.
- ۳- ضرر و زیان جبران شده باشد یا **با موافقت بزه‌دیده** ترتیبی برای جبران آن **در مدت معین** داده شده باشد. (مدت را دادگاه تعیین می‌کند)
- ۴- متهم محکومیت کیفری **مؤثر** نداشته باشد.
- ۵- دادستان می‌تواند تعقیب را معلق کند البته در صورتی که:
الف) متهم موافق باشد ب) در صورت ضرورت تأمین مناسب گرفته شده باشد.
- ۶- مدت تعلیق تعقیب هم ۶ ماه تا ۲ سال است.
- ۷- اگر متهم در دوران تعلیق تعقیب مرتکب یکی از جرایم موجب حد یا قصاص یا تعزیر تا درجه ۷ شود و تعقیبش منتهی به صدور کیفرخواست شود، قرار تعلیق تعقیب لغو می‌شود و اگر از اتهام دوم تبرئه شد دوباره قرار تعلیق تعقیب ابقا می‌شود.

نکته: شرایط نامبرده برای صدور قرار تعلیق تعقیب باید همگی باهم وجود داشته باشند تا امکان صدور قرار وجود داشته باشد.

ب) تعلیق اجرای مجازات (ماده ۴۶ ق م ا):

- ۱- در جرایم تعزیری درجه ۳ تا ۸ ممکن است.
- ۲- باید شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم وجود داشته باشد.
- ۳- می‌توان اجرای **تمام** یا **قسمتی** از مجازات را معلق کرد.
- ۴- مدت تعلیق مجازات بین ۱ تا ۵ سال است.

۵- تعلیق اجرای مجازات **اختیاری** است.

۶- تعلیق اجرای مجازات می تواند ضمن صدور حکم یا در حین اجرا باشد.

۷- اگر تعلیق اجرای مجازات در حین اجرا باشد باید **یک سوم** مجازات سپری شده باشد.

۸- افرادی که می توانند تقاضای تعلیق اجرای مجازات کنند:

الف) دادستان ب) قاضی اجرای احکام ج) خود محکوم علیه (از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام نه مستقلاً)

۹- تعلیق اجرای مجازات فقط نسبت به مجازاتها قابل اجراست و نسبت به اقدامات تأمینی و تربیتی قابل اجرا نیست.

۱۰- در تعلیق اجرای تمام یا بخشی از مجازات باید اجرای تمام یا آن بخشی که معلق شده ضروری نباشد.

۱۱- تعلیق مجازات تأثیری در حق مدعی خصوصی ندارد یعنی اگر مجازات معلق هم بشود بازهم باید ضرر و زیان یا دیه ی مدعی خصوصی پرداخت شود. (البته در قانون آیین دادرسی کیفری جدید بین شاکی و مدعی خصوصی تفاوت گذاشته شده:

شاکی کسی است که از حیث کیفری ادعایی دارد؛ مدعی خصوصی از حیث جبران ضرر و زیان مدعی است)

۱۲- تعلیق مجازاتهای تکمیلی و تتمیمی هم عملاً مورد پیدا نمی کند چون دادگاه می تواند از تعیین آنها خودداری کند اما اگر همراه با مجازات اصلی تعیین شده بودند و مجازات اصلی معلق شد این مجازاتها هم معلق می شوند.

۱۳- محکومیت به شلاق در **جرائم تعزیری** به هر تعدادی قابل تعلیق است.

۱۴- اگر مجازات جزای نقدی باشد، تا ۵۵۰ میلیون ریال (جزای نقدی درجه ۳) در جرائم تعزیری و بازدارنده قابل تعلیق است

۱۵- اگر مجازات جرم ارتكابی در قانون حبس به همراه جزای نقدی تعیین شده باشد، حبس قابل تعلیق است و حتی می تواند به جزای نقدی تبدیل شود.

۱۶- حبس بدل از جزای نقدی قابل تعلیق نیست.

۱۷- شعب سازمان تعزیرات حکومتی، دادگاه نیست و نمی تواند اجرای مجازات را معلق کند.

ماده ۴۷- صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات

ب- جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی و اسیدپاشی

پ- قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا

ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روان گردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان

ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض

ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال

۱- اصل بر این است که کلیه مجازاتهای تعزیری درجه ۳ تا ۸ قابل تعلیق هستند مگر در مواردی که استثنا شده باشد) پس از نظر اصولی، ماده ی ۴۷ ماده ی ۴۶ را تخصیص زده است)

۲- مواردی که مجازات آنها قابل تعلیق نیست عبارتند از:

۱- جرایم مندرج در این ماده

۲- مجازات صدور چک از حساب مسدود قابل تعلیق نیست اما مجازات سایر جرایم مندرج در قانون صدور چک قابل تعدیل است.

۳- از بین انواع سرقت های تعزیری فقط سرقت مسلحانه و سرقت مقرون به آزار مشمول این ماده هستند.

۴- قاچاق مواد مخدر ، مشروبات الکلی و داروهای روانگردان و سلاح و مهمات باید **عمده** باشد تا مجازاتش قابل تعلیق نباشد، ولی قاچاق انسان لازم نیست عمده باشد.

۵- امکان تعویق صدور حکم در مورد مشروبات الکلی فقط در فرض قاچاق آن وجود ندارد.

۶- با توجه به بند "ث" تعزیر بدل از قصاص **عضو**، قابل تعلیق و تعویق هست.

۷- چون مجازات شریک جرم ، مجازات فاعل مستقل است، مجازات شرکای جرایم این ماده هم غیر قابل تعلیق است.

***این ماده در آزمون وکالت سال ۹۲ مورد سوال واقع شد.**

ماده ۴۸- تعلیق مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم، ممکن است به طور ساده یا مراقبتی باشد. تعلیق مجازات بر دو نوع است:

۱- ساده: در این نوع تعلیق، در مدت تعلیق، مرتکب فقط تعهد می دهد که مرتکب جرمی نشود ولی تعهدی برای انجام یکسری اقدامات و دستورات ندارد.

۲- مراقبتی: در این نوع ، در مدت تعلیق علاوه بر اینکه مرتکب متعهد می شود مرتکب جرمی نشود باید دستورات و اقداماتی را هم که دادگاه تعیین کرده را در مدت معینی اجرا کند.

(تعلیق ساده با رعایت مقررات تعویق ساده و تعلیق مراقبتی با رعایت مقررات تعویق مراقبتی است)

ماده ۴۹- قرار تعلیق اجرای مجازات به وسیله دادگاه ضمن حکم محکومیت یا پس از صدور آن صادر می گردد. کسی که اجرای حکم مجازات وی به طور کلی معلق شده است، اگر در بازداشت باشد فوری آزاد می گردد.

۱- زمان صدور قرار تعلیق اجرای مجازات: ۱- ضمن صدور حکم محکومیت یا ۲- پس از صدور حکم محکومیت
۲- قرار تعلیق اجرای مجازات یا تمام مجازات را معلق می کند یا بخشی از آن را؛ که اگر **تمام** مجازات را معلق کند و محکوم در حبس باشد، **فورا** آزاد می شود چون دیگر موجبی برای حبس وجود ندارد.
به محض این که قرار تعلیق صادر شود مرتکب آزاد می شود و **لازم نیست** قرار قطعی شود.

۳- قانونگذار در بعضی از جاها عبارت "قرار" تعلیق اجرای مجازات را به کار برده و در بعضی جاها از "حکم تعلیق" یا "محکومیت تعلیقی" استفاده کرده. ولی به نظر می رسد ماهیت رأی تعلیقی به **حکم** نزدیکتر باشد تا به قرار.
۴- وقتی قرار تعلیق اجرای مجازات صادر شود، تأمیناتی هم که گرفته شده منتفی می شود (چون تأمین گرفته می شود که تضمینی برای اجرای مجازات باشد و حال دیگر اجرای مجازاتی در کار نیست)

ماده ۵۰- چنانچه محکومی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق **بدون عذر موجه** از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، دادگاه صادرکننده حکم قطعی می تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام، برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو نماید. تخلف از دستور دادگاه برای بار دوم، موجب الغای قرار تعلیق و اجرای مجازات می شود.

۱- فقط در صورتیکه مرتکب بدون عذر موجه دستورات دادگاه را اجرا نکند ضمانت اجرا دارد و تشخیص اینکه عذر موجه بوده یا نه، با **دادگاه صادر کننده ی تعلیق** است.

۲- مرجع رسیدگی به تخلفات مرتکب در دوران تعلیق: **دادگاه صادر کننده ی حکم قطعی** است.

که به درخواست ۱- دادستان ۲- قاضی اجرای احکام رسیدگی می کند.

۳- ضمانت اجرای عدم رعایت دستورات دادگاه در مدت تعلیق:

۱- برای بار اول  ۱ تا ۲ سال به مدت تعلیق اضافه می شود یا قرار لغو می شود.

۲- برای بار دوم (در صورت تکرار)  قرار لغو می شود و مجازات اجرا می شود.

۴- قاضی پس از آنکه قرار تعلیق را صادر کرد نمی تواند آن را افزایش بدهد مگر در مورد ماده ی ۵۰، و تحت هیچ شرایطی هم نمی تواند آن را کاهش بدهد.

۵- گفتیم که موارد مندرج در مواد ۴۳ حصری هستند؛ حالا اگر قاضی غیر از موارد ماده ی ۴۳ را برای مرتکب در نظر بگیرد و مرتکب آنها را اجرا نکند قرار تعلیقش لغو نمی شود چون ملزم به اجرای آنها نبوده.

ماده ۵۱- تعلیق اجرای مجازات محکوم نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجراء می‌شود.

- ۱- اگر مجازات مرتکبی معلق شود تأثیری در حقوق الناس ندارد چون حقوق الناس فقط با رضایت خود صاحب حق ساقط می‌شود پس مرتکب باید خسارات یا دیه ی مدعی خصوصی را بپردازد.
- ۲- اگر محکوم خسارات مدعی خصوصی را نپردازد دادگاه به درخواست محکوم له با فروش اموال محکوم (به غیر از مستثنیات دین) دین شخص را می‌پردازد و تا زمانی هم که هنوز حقوق شخص پرداخت نشده، محکوم در بازداشت می‌ماند تا حکم اعسارش صادر شود یا حکم به پرداخت به صورت تقسیط، صادر شود.

ماده ۵۲- هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود، محکومیت تعلیقی بی‌اثر می‌شود.

- ۱- شرط بی‌اثر شدن محکومیت تعلیقی: محکوم تا پایان مدت تعلیق مرتکب جرم عمدی موجب
۱-حد ۲-قصاص ۳-دیه ۴-تعزیر تا درجه ۷ نشود.

۲- اگر محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب جرم عمدی موجب حد یا دیه یا قصاص یا تعزیر تا درجه ۷ شود، علاوه بر اینکه قرار تعلیق اجرای مجازات لغو می‌شود و مجازات تعلیقی در مورد مرتکب اجرا می‌شود، مجازات جرم جدید هم در مورد وی اجرا می‌شود.

۳- اگر مرتکب در مدت تعلیق، مرتکب **جرم تعزیری درجه ۸** شود، تأثیری در مجازات تعلیقی ندارد و همچنان معلق باقی می‌ماند.

ماده ۵۳- در صورتی که قسمتی از مجازات یا یکی از مجازات‌های مورد حکم معلق شود، مدت تعلیق از زمان خاتمه اجرای مجازات غیرمعلق محاسبه می‌گردد.

- تبصره - در مواردی که به موجب قوانین اداری و استخدامی، محکومیت کیفری موجب انفصال است در صورت تعلیق، محکومیت معلق، موجب انفصال نمی‌گردد، مگر آنکه در قانون تصریح یا قرار تعلیق لغو شود.
- ۱- اگر برای جرمی چند مجازات در نظر گرفته شده باشد و بعضی از آنها معلق شود: ابتدا مجازات‌های غیرمعلق اجرا می‌شود سپس مدت تعلیق مجازات‌های معلق از تاریخ اتمام مجازات‌های اجرا شده شروع می‌شود.

۲- اگر **بخشی** از مجازات معلق شده باشد؛ مثلاً از ۵ سال حبس، ۲ سالش معلق شده باشد؛ ابتدا ۳ سال حبس در مورد شخص اجرا می شود، از تاریخی که ۳ سال پایان یافت، مدت مجازات معلق آغاز می شود.

۳- محکومیت تعلیقی موجب انفصال نمیگردد مگر اینکه قانون تصریح نماید محکومیت حتی به نحو تعلیقی موجب انفصال میگردد یا اینکه قرار تعلیق لغو شود و حکم به اجرای مجازات داده شود.

ماده ۵۴- هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق، مرتکب یکی از جرائم **عمدی** موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت شود، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادرکننده قرار تعلیق اعلام می کند. دادگاه به هنگام صدور قرار تعلیق به طور صریح به محکوم اعلام می کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرائم فوق شود، علاوه بر مجازات جرم اخیر، مجازات معلق نیز درباره وی اجراء می شود.

۱- این ماده در مقابل ماده ی ۵۲ قرار دارد.

۲- دادگاه در هنگام صدور قرار تعلیق **مکلف است** به طور صریح به محکوم اعلام کند که ضمانت اجرای ارتکاب جرایم این ماده در مدت تعلیق چیست.

۳- اگر شخصی که مجازاتش معلق شده در مدت تعلیق مرتکب جرایم عمدی حد یا دیه یا قصاص یا تعزیر تا درجه ۷ شود، دادگاهی که به این جرایم جدید رسیدگی می کند پس از اینکه حکم محکومیت شخص در این جرایم قطعی شد، قرار تعلیق را لغو می کند و دستور می دهد که حکم معلق هم اجرا شود و به دادگاه صادر کننده ی قرار تعلیق هم این موارد را اطلاع می دهد.

ماده ۵۵- هرگاه پس از صدور قرار تعلیق، دادگاه احراز نماید که محکوم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت های قطعی دیگری بوده است که در میان آنها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن اجرای مجازات معلق شده است، قرار تعلیق را لغو می کند. دادستان یا قاضی اجرای احکام نیز **موظف است** در صورت اطلاع از موارد فوق، لغو تعلیق مجازات را از دادگاه درخواست نماید. حکم این ماده در مورد تعویق صدور حکم نیز جاری است.

***(مهم) ۱- مواردی که دادگاه قرار تعلیق اجرای مجازات را لغو می کند عبارتند از:**

۱- هرگاه بعد از صدور قرار تعلیق دادگاه احراز کند محکوم، محکومیت کیفری مؤثر داشته و بدون توجه به آن اجرای مجازات لغو شده.

۲- هرگاه بعد از صدور قرار تعلیق دادگاه احراز کند محکوم، محکومیت های قطعی ای داشته که در میان آنها محکومیت تعلیقی وجود داشته و دادگاه بدون توجه به آنها قرار تعلیق صادر کرده.

۳- هرگاه محکوم تا پایان مدت تعلیق مرتکب **جرایم عمدی** موجب حد، دیه، قصاص یا تعزیر تا درجه ۷ شود و **حکم قطعی** در مورد وی صادر شود. (ماده ی ۵۴)

۴- در صورتی که محکوم در مدت تعلیق بدون عذر موجه دستورات دادگاه را اجرا نکند که برای بار اول دادگاه **مختار است** قرار تعلیق را لغو کند یا به مدت آن اضافه کند و برای بار دوم **باید** قرار تعلیق را لغو کند. (ماده ی ۵۰)

۲- صرف اینکه مرتکب قبل از صدور قرار تعلیق، مرتکب جرمی شده باشد و پرونده در جریان رسیدگی باشد برای لغو قرار تعلیق کافی نیست بلکه **باید** محکومیت **قطعی** باشد.

فصل هفتم - نظام نیمه آزادی

ماده ۵۶- نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم **می‌تواند** در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه آزادی است که در سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود.

۱- نظام نیمه آزادی برای محکوم **اختیاری** است نه اجباری.

۲- فعالیت‌های مربوط به نظام نیمه آزادی در **خارج از زندان** انجام می‌شود.

۳- **مراکز نیمه آزادی** بر این فعالیت‌ها نظارت می‌کنند.

۴- سازمانهایی که مراکز نیمه آزادی دارند عبارتند از:

۱- سازمان زندان‌ها ۲- سازمان اقدامات تأمینی و تربیتی

ماده ۵۷- در حبسهای تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادر کننده حکم قطعی **می‌تواند** مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه **موظف** به رسیدگی است.

۱- نظام نیمه آزادی در حبس‌های تعزیری درجه **۵ تا ۷ می‌تواند** اعمال شود.

۲- با دادگاه صادر کننده ی **حکم قطعی** است.

۳- اعطای نظام نیمه آزادی مشروط به شرایطی است که این شرایط عبارتند از:

۱- شاکی گذشت کرده باشد

۲- تأمین مناسب از متهم گرفته شده باشد.

۳- متهم **تعهد کرده باشد** که فعالیتی شغلی، حرفه‌ای، آموزشی و... را انجام دهد.

۴- متهم به انجام این فعالیت‌ها و اعطای نظام نیمه آزادی رضایت داشته باشد.

۴- هم قبل از اجرای مجازات و در هنگام صدور حکم و هم در حین اجرای مجازات می‌توان تقاضای صدور حکم نیمه آزادی کرد.

۵- اگر متهم درخواست حکم نیمه آزادی کند، دادگاه **باید** رسیدگی کند.

۶- رأی نیمه آزادی به صورت **حکم** است نه قرار.

فصل هشتم - نظام آزادی مشروط

ماده ۵۸- در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادر کننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط را صادر کند:

الف- محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.

ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی‌شود.

پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.

ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

انقضای مواعد فوق و همچنین مراتب مذکور در بندهای (الف) و (ب) این ماده پس از گزارش رئیس زندان محل به تأیید قاضی اجرای احکام می‌رسد. قاضی اجرای احکام موظف است مواعد مقرر و وضعیت زندانی را درباره تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید.

۱- نظام آزادی مشروط هم به زن و هم به مرد، صرف نظر از سن و سال تعلق می‌گیرد چون نوعی ارفاق است و مربوط به زمانی است که دادگاه تشخیص دهد محکوم آمادگی برگشت به اجتماع را دارد.

۲- آزادی مشروط فقط در مورد **حبس های تعزیری** اعمال می‌شود.

۳- اعطای آزادی مشروط **اختیاری** است.

۴- آزادی مشروط به صورت **حکم** است نه قرار.

۵- برای اینکه دادگاه به محکوم آزادی مشروط را اعطا کند، محکوم باید مدتی از حبس را گذرانده باشد، پس از همان ابتدا نمی‌تواند شخص را آزاد کند.

این مدت که باید سپری شود در حبس های مختلف متفاوت است:

الف) اگر محکوم به حبس بیش از ۱۰ سال محکوم شده باشد  **باید** نصف (یک دوم) مدت حبس گذشته باشد.

ب) اگر محکوم به ۱۰ سال یا کمتر از ۱۰ سال حبس محکوم شده باشد  **باید** یک سوم حبس گذشته باشد.

۶ هم دادستان و هم قاضی اجرای احکام می توانند در صورت وجود شرایطی از دادگاه تقاضای صدور حکم آزادی مشروط را کنند.

۷ اگر مجازات حبس بر اثر عفو کاهش پیدا کرده باشد، ملاک مدت حبسی است که **در دادنامه قید شده** نه مدت کاسته شده در اثر عفو.

۸ حبس بدل از جزای نقدی مشمول مقررات آزادی مشروط نمی شود.

۹ در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، اگر کسی قبلاً به حبس محکوم شده بود، نمی توانست از آزادی مشروط استفاده کند ولی در قانون جدید این محدودیت وجود ندارد.

۱۰-محکومان به حبس ابد، **پس از گذراندن ۱۲ سال حبس** می توانند از آزادی مشروط استفاده کنند.

۱۱-صدور حکم آزادی مشروط، با دادگاه صادر کننده ی **حکم قطعی** است.

۱۲-مرجع اظهار نظر در مورد آزادی مشروط هم طبق رأی وحدت رویه شماره ۷۳۱، **دادگاه صادر کننده ی حکم قطعی** (اعم از بدوی و تجدیدنظر) است.

(اگر دادگاه تجدید نظر حکم دادگاه بدوی را عیناً تأیید کند، همان **دادگاه بدوی** صادر کننده ی حکم قطعی است. اما اگر دادگاه تجدید نظر رأی را اصلاح کند یا تغییر بدهد، دادگاه تجدیدنظر، صادر کننده ی رأی قطعی است.)

۱۳-اگر رأی دادگاه بدوی در دیوان عالی کشور ابرام شود، **دادگاه بدوی**، صادر کننده ی حکم قطعی است.

۱۴-افرادی که به زندان یا خارج از زندان تبعید شده اند، **نمی توانند** از آزادی مشروط استفاده کنند حتی اگر تبعید به حبس هم تبدیل شود، باز هم نمی توانند از آزادی مشروط استفاده کنند؛ چون این حبس، مجازات اصلی نیست بلکه **تتمیمی** است.

۱۳-گذشت شاکی خصوصی برای استفاده از آزادی مشروط **لازم نیست**.

۱۴-اعسار یا افلاس محکوم علیه هم مانع استفاده از آزادی مشروط نیست اما دادگاه باید اعسار یا افلاس را تأیید کند.

۱۵-اگر دادگاه درخواست آزادی مشروط را رد کند، این رد درخواست **قابل شکایت نیست** چون آزادی مشروط **ارفاق** است و دادگاه در پذیرفتنش **مختار** است و اجباری ندارد. اما اگر درخواست آزادی مشروط رد شود، **می توان** مجدداً تقاضا کرد.

۱۶-اگر شخصی از عفو استفاده کند **می تواند** از آزادی مشروط هم استفاده کند.

۱۷-در صورت تعدد جرم هم می توان از آزادی مشروط استفاده کرد.

۱۸-چون آزادی مشروط **حکم** است، محکوم علیه **نمی تواند** آن را قبول نکند.

۱۹-آزادی مشروط **فقط** در مورد **حبس** ممکن است و شامل اقامت اجباری **نمی شود**.

ماده ۵۹- مدت آزادی مشروط شامل بقیه مدت مجازات می‌شود، لکن دادگاه می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال آزادی مشروط نمی‌تواند کمتر از یک‌سال و بیشتر از پنج سال باشد جز در مواردی که مدت باقیمانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است.

۱- **مدت آزادی مشروط:**

۱ شامل بقیه ی مدت حبس می شود.

۲ دادگاه می تواند آن را تغییر دهد.

۳- نمی تواند کمتر از ۱سال باشد مگر اینکه مدت باقی مانده کمتر از ۱ سال باشد.

۴ نمی تواند بیشتر از ۵سال باشد.

۵-دادگاه پس از تعیین ، نمی تواند آنرا کم یا زیاد کند.

ماده ۶۰- دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند. دادگاه، دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می‌کند.

۱- دادگاه می‌تواند در مدت آزادی مشروط ، متهم را ملزم کند یکسری اقدامات و دستوراتی را انجام دهد.

البته این دستورات باید با درنظر گرفتن:

۱-اوضاع و احوال جرم

۲-خصوصیات روانی و شخصیت متهم باشد.

ماده ۶۱- هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجراء در می‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود.

۱ اگر محکوم در مدت آزادی مشروط از دستورات دادگاه بدون عذر موجه تبعیت نکند:

۱-برای بار اول ← ۱ تا ۲ سال به مدت آزادی مشروط اضافه می شود.

۲-در صورت تکرار ← باقی مانده ی حبس اجرا می شود(آزادی مشروط منتفی می شود)

و هم مجازات جرم جدید اجرا می شود.

هم باقی مانده ی حبس اجرا می شود(آزادی مشروط منتفی می شود) و هم مجازات جرم جدید اجرا می شود. 

۲- ارتکاب جرایم موجب حد یا دیه یا قصاص یا تعزیر باید **عمدی باشد** تا در آزادی مشروط مؤثر باشد.

۳- عدم اجرای دستورات دادگاه باید **بدون عذر موجه باشد** تا در آزادی مشروط مؤثر باشد.

۴- استفاده از آزادی مشروط در مورد **اطفال و نوجوانان** پیش بینی شده است.(ماده ی ۹۰ ق.م.ا)

ماده ۶۲- در جرائم تعزیری از **درجه پنج تا درجه هشت**، دادگاه **می تواند** در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را **بارضایت وی** در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه(سیستم)های الکترونیکی قرار دهد.

تبصره- دادگاه در صورت لزوم می تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد.

۱- نظارت الکترونیکی در **جرایم تعزیری درجه ۵ تا ۸** ممکن است. (اگرچه در قسمت بعد ماده از عبارت حبس نام برده شده است اما سامانه های الکترونیکی اگر مورد سوال واقع شود در پاسخ با توجه به عبارت صدر ماده باید به جرایم تعزیری درجه پنج تا هشت اشاره شود نه حبس تعزیری درجه پنج تا هشت)

۲- اعمال این نظارت برای دادگاه **اختیاری** است.

۳- برای اعمال نظارت الکترونیکی باید **شرایط تعویق مراقبتی** وجود داشته باشد. (به نظر می رسد مسامحه رخ داده است چون در بند ب ماده ۴۱ ق م ا شرایطی برای تعویق مراقبتی وجود ندارد و منظور قانونگذار، شرایط تعویق می باشد که در بندهای الف تا ت در ماده ۴۰ ق م ا مطرح شده است.)

۴- خود محکوم باید رضایت داشته باشد تا بتوان این سیستم را پیاده کرد.

۵- **در محدوده ی مکانی مشخص** باید سیستم نظارت الکترونیکی اعمال شود نه هرجایی.

ماده ۶۳- آیین نامه اجرائی مواد مربوط به نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون به وسیله سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

*نهاد متولی نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط، سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی خواهد بود.

نوع تدبیر	جرایم قابل اعمال	مدت اعمال
کیفیات مخففه (معاذیر قضایی)	فقط تعزیرات (اعم از عمدی و غیرعمدی)	—
معاذیر قانونی	جرایم خاص (مقرر در قانون)	—
معافیت از مجازات	تعزیرات درجه ۷ و ۸	—
تعویق صدور حکم	تعزیرات درجه ۶ و ۷ و ۸	۶ ماه تا ۲ سال
تعلیق اجرای مجازات	تعزیرات درجه ۶ تا ۸	۱ تا ۵ سال
تعلیق تعقیب	تعزیرات درجه ۶ و ۷ و ۸ که مجازات آنها قابل تعلیق باشد.	۶ ماه تا ۲ سال
نظام نیمه آزادی	حبس های تعزیری درجه ۵ تا ۷	—
آزادی مشروط	کلیه ی حبس های تعزیری	۱ تا ۵ سال است مگر اینکه مدت باقی مانده کمتر از ۱ سال باشد.
نظارت الکترونیکی	تعزیرات درجه ۵ تا ۸	—

نوع تدبیر	ضمانت اجرای عدم رعایت دستورات دادگاه در مرتبه ی اول	ضمانت اجرای عدم رعایت دستورات در مرتبه ی دوم
تعویق صدور حکم	نصف مدت مقرر به مدت تعویق اضافه می شود <u>یا</u> قرار تعلیق لغو می شود	قرار تعویق لغو می شود
تعلیق اجرای مجازات	۲ سال به مدت تعلیق اضافه می شود قرار تعلیق لغو می شود.	قرار تعلیق لغو می شود و مجازات اجرا می شود.
آزادی مشروط	۱ تا ۲ سال به مدت آزادی مشروط اضافه می شود.	<u>هم</u> مجازات جرم جدید اجرا می شود و <u>هم</u> بقیه ی مدت حبس اجرا می شود.

توجه: لازم به ذکر است اعمال کلیه ی تدابیر نامبرده با رعایت شرایط و جهات مندرج در قانون است.